

## ارزیابی و نقد تربیتی برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی (پژوهشی مبتنی بر کاوشگری فلسفی انتقادی)<sup>۱</sup>

سیدمحمد سیدکلان<sup>۲</sup>

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل - ایران (نویسنده مسئول)

زهرا وقار

کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه محقق اردبیلی

### چکیده

هدف کلی این پژوهش، ارزیابی و نقد تربیتی برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی بوده است. سؤال اصلی پژوهش این است که مبنای منطقی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان که تحت چه اصولی تبیین شده است؟ یعنی؛ موضوعات آن، تحت کدام مبانی فکری ترسیم شده است. به این منظور، با تکیه بر روش نقد تربیتی یا کاوشگری فلسفی انتقادی محققان ابتدا هر کدام از رویکردهای برنامه فلسفه برای کودکان مورد تحلیل قرار دادند. سپس، بر اساس اصول و مبانی تربیت اسلامی مورد نقد و واریسی؛ و در نهایت با استفاده از معیار پیش روندگی مدلی تحت "برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی" جهت بهبود ارائه شد. شواهد نشانگر وجود وجوه اشتراک و افتراق میان برنامه فلسفه برای کودکان غربی و مبانی تربیت اسلامی است. بر این اساس، نقدهایی به برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی وارد شد. در نتیجه، اصل موضوع که همان تفکر و تعقل (فلسفیدن) در بین کودکان و نوجوانان می باشد از نظر هر دو رویکرد مهم فرض شده است اما نوع تفکر و تعقل، چگونگی آن، بنیان های فکری و اعتقادی (مبانی هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی)، و هدف از تعلیم و تربیت با همدیگر افتراق دارند.

**کلید واژه ها:** برنامه فلسفه برای کودکان، ارزیابی، نقد تربیتی، تربیت اسلامی

## ۱. مقدمه

امروزه، تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بشری در تمامی جوامع محسوب می‌گردد در حالی که، این مسئله، از زمان طلوع اسلام به پرچم داری حضرت رسول اکرم (ص) جلوه ای خاص و نمود ویژه ای برای تربیت و اصلاح انسان‌ها بوده است. هم‌چنین آن حضرت تربیت را موجب کسب پاداش الهی و مغفرت، و تربیت کودک را از دادن صدقات بسیار به نیازمندان، برتر و بافضیلت دانسته است (مرادی، ۱۳۹۱: ۲۰؛ سلیمانی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). با توجه به اینکه نهاد خانواده و تعلیم و تربیت مهم‌ترین بستری است که می‌تواند در تحقق یافتن تربیت دینی کودکان نقش ایفا کند (مرادی، سیدکلان و عیاری، ۱۳۹۳: ۱۱۹)، نیاز جدی جامعه‌ی امروزی نیز به مسائل تربیتی به ویژه تربیت کودک، دست اندرکاران امر تربیت و روانشناسان را واداشته تا مباحث جدیدی در زمینه تربیت کودک مطرح نمایند که «فلسفه برای کودک»<sup>۱</sup> موضوع نسبتاً جدیدی است و بیش از چهار دهه از طرح آن نمی‌گذرد. این پارادایم فکری توسط میتو لیپمن<sup>۲</sup> در اواخر سال‌های ۱۹۶۰ مطرح شد (دولیمپیو و تچرز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶؛ موکابانه<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶؛ گریگوری<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳: ۱۹؛ گرونپیو، ۲۰۰۹؛ شفرد و ملانگا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴: ۲؛ حسینی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۶). چراکه، قبلاً فلسفه روشی برای گفتگوی بزرگسالان در خصوص موضوعات فراشناختی به حساب آورده می‌شد، که در سال‌های اخیر علاوه بر بزرگسالان، حق کودکان نیز به شمار آمد (ستاری، ۱۳۹۱، ص: ۱۲۴). لیپمن (۱۹۹۳)، و بسیاری از فیلسوفان دیگر مانند ماتیوس (۱۹۸۰)، جانسون<sup>۷</sup> (۱۹۷۰)، مورریس<sup>۸</sup> (۱۹۹۹) و ویلیامز<sup>۹</sup> (۱۹۸۵) فلسفه را به مفهوم فلسفیدن مورد توجه قرار دادند و این مفهوم از فلسفه امکان آموزش فلسفه به کودک را امکان پذیر ساخت (اکبری و مسعودی: ۱۲۳). در این دیدگاه، مقصود از فلسفه، آموزش شیوه‌ی فلسفی اندیشیدن است و باید گفت که تربیت فلسفی (با مفهوم تربیت دینی) برای کودک کمتر از ضرورت غذا برای بدن نیست همانطور که حفظ و بقاء حیات انسان به خوراکی بستگی دارد، همین‌گونه تربیت نیز ضامن نوعی حیات زندگی است (منقی هندی، ۱۹۸۹؛ به نقل از مرادی، ۱۳۹۱: ۲۲). با وجود این، قرآن کریم نیز در آیات متعددی، انسان را مخاطب قرار داده و او را توصیه به تعقل و اندیشه ورزی نموده است و کسانی را که از بکارگیری نور عقل و تعقل سرباز می‌زنند، سرزنش می‌کند (بقره، ۷۳ و ۲۴۲؛ مؤمنون، ۸۰؛ انبیا، ۱۰). بنابراین، بنا بر اهداف مقاله حاضر، جا دارد ضمن بررسی رویکردهای موجود در فلسفه برای کودکان به نقد و ارزیابی رویکردهای موجود پرداخته و حیطه‌ی نظری آن را از منظر تربیت اسلامی بیشتر بشکافیم.

### ۱.۱. طرح مسئله پژوهش

مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش نوین ایجاد تغییرات عاطفی و شناختی و رفتاری نسبتاً پایدار در شاگردان بوده است تا آنها بتوانند از نهایت استعداد و توانایی‌های خود در زندگی بهره‌گیرند. همان‌گونه که حضرت علی (ع) تربیت انسان و انسان‌سازی را به فعلیت رساندن تمام گنجینه‌ها و استعدادها و نهفته در درون می‌داند:

- 1 -philosophy for children (p4c)
- 2 -Mitu Lipman
- 3 - Dolimpio & Teschers
- 4 -Mukabane
- 5 -Gregory
- 6 - Shepherd & Mhlanga
- 7 -Janson
- 8 -Morris
- 9 -Williams

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنُوا مِنْهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ، وَيُثِيرُوا هَمَّ دَفَائِنِ الْعُقُولِ، وَ...؛ پس خداوند رسولانش را بر انگیخت، و پیامبرانش را به دنبال هم به سوی آنان گسیل داشت، تا ادای عهد فطرت الهی را از مردم بخواهند، و نعمتهای فراموش شده او را به یادشان آرند و با ارائه دلایل بر آنان اتمام حجت کنند، و نیروهای پنهان عقول آنان را بر انگیزانند، و ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱)

با تفسیر این خطبه، شاید کمتر موضوعی، مثل به کارگیری عقل و اندیشه در بیانات علی (ع) مورد توجه قرار گرفته باشد. در سخنان گهربار ایشان، از عقل و خرد، به منشأ شرافت و شخصیت انسانی، (اسرار البلاغه: ۹۰. «الشرف بالعقل و الادب لا بالاصل و النسب.») زیور و زینت آدمی، (کراجکی، کنز الفوائد، ج ۱: ۱۹۹. «زينة الرجل عقله.») ریشه و سرچشمه همه خوبی ها، (آمدی، پیشین: ۳۵. «العقل ينبوع الخير.») عامل سعادت انسانی، (همان، ج: ۱۱۴. «کمال المرء عقله.») ابزار و سلاح همه کارها، (همان، ج ۱: ۴۲) درمان و علاج ناکامی ها، (مستدرک نهج البلاغه: ۱۸۴. «و کلّ الحرمان بالعقل.») حیات و زندگی روح، (ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۲۰: ۲۸۷. «و العقل حياة الروح.») اصل و ریشه دانش و انگیزه فهم و درک انسان (آمدی، پیشین، ۱۰۲. «العقل اصل العلم و داعية الفهم.») و در یک جمله سرچشمه ادب و دینداری (آمدی، پیشین: ۸۱. «الادب و الدين نتيجة العقل.») و عشق و تعهد و ایمان، (همان، ج ۲: ۲۶۴. «ما آمن المؤمن حتى عقل.») یاد شده است. (به نقل از: اجلال، ۱۳۹۲)

با این همه خطابه و تفاسیر اسلامی- در سال های اخیر، اکثر متخصصان علوم تربیتی در مورد نارسایی و توانایی شاگردان نسبت به تفکر ابراز نگرانی کرده و تلاش خود را معطوف به ارتقای مهارت های فکری شاگردان نموده اند. چراکه، پرورش فکری کودکان همیشه مساله ی پیچیده ای در تعلیم و تربیت بوده، و امروزه باتوجه به شرایط کنونی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار گشته است (حسینی و حسینی: ۱۹؛ رضانی: ۲۳؛ هدایتی و زریباف: ۱۳۶). این دغدغه، محققان و کارشناسان را واداشته تا در پی بررسی و دستیابی به روش ها و الگوهایی برای تسهیل این مشکلات باشند؛ اما مساله ای که شاید کمتر به آن پرداخته شده این است که اکثر روش هایی که در جهت ارتقای سطح دانش کودکان ارائه شده موجب تضعیف ارزش های اسلامی بوده است؛ زیرا خواسته یا ناخواسته سلطه نظام تربیتی غرب فراگیرتر از تعلیم و تربیت اسلامی بوده است به طوری که هدف از تعلیم و تربیت به دست آوردن یک زندگی مادی و مرفه شده است که این مفهوم با اهداف تربیتی آن در اسلام مغایرت دارد. به طور کلی، یادگیری در غرب فرایندی را طی کرده است که به دین و خدا مرتبط نیست، مساله آموزش و پرورش یک امور انسانی فرض می شود، از زندگی قبل و بعد از مرگ خبری نیست. در کل هدف نهایی از مفهوم تعلیم و تربیت غربی یعنی پیشرفت در سطح عالی و به عنوان یک شهروند خوب و این در حالی است که این مقوله در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اسلام فعالیت های آموزشی را یک عمل مرتبط با پرستش و از خودگذشتگی می داند و اعتقاد بر این است که حقوق خدا و موجودات بر یکدیگر وجود دارد. آیات متعددی در قرآن کریم با یادآوری پاداش برای نیکوکاران و جزا برای گناهکاران به زندگی اخروی اشاره شده است (توبه، ۷۲؛ توبه، ۱۱۱؛ ابراهیم، ۲۳؛ زخرف، ۷۴؛ ملک، ۶؛ بروج، ۱۰). بدیهی است این هشدارها، بیم ها و اندازها می توانند در روند سامان دهی اخلاق و تربیت انسان بسیار مؤثر باشند زیرا که هدف نهایی تربیت اسلامی تحقق انسانی کامل است که هر لحظه رو به تکامل می رود (اسروری<sup>۱</sup>: ۲۰۱۶: ۷۵-۷۴). بنا بر این هدف نهایی، باید گفت که اهمیت

دوران کودکی در تربیت از نقش آشکاری در اسلام برخوردار است در تائید این بحث جا دارد که به فرمایشات حضرت علی (ع) که در نامه ای خطاب به فرزندش امام حسن (ع) که چنین می فرمایند:

«چون قلب کودک مانند زمین خالی است و هر بذری در آن بکارند می روید، من تربیت تو را از کودکی و قبل از اینکه قلبت سخت و ذهنت مشغول شود آغاز کردم تا تو به حقیقت آنچه که اهل تجربه تو را از تجربه ی مجدد آن بی نیاز می سازد بپذیری» (نهج البلاغه، ج ۳، ۴۰: الحدیث، جلد ۱: ۵۱).

اشاره کرد. ایشان بارها تاکید کرده اند در خردسالی علم بیاموزید تا در بزرگسالی به برتری و سیادت نائل آید ( الحدیث، جلد ۳: ۹۱). کودکان متفکران خلاق می باشند و می توان گفت که دوران کودکی بهترین دوران برای دریافت استعداد فلسفی کودکان است (عابدی، نوروزی، مهرابی و حیدری، ۱۳۹۸: ۱۱۷) و کودکان درگیر با فلسفه قادرند زندگی را از چشم انداز خود و با دیدی جدید و متفاوت ببینند و ایده هایی ارائه دهند که برای دیگر کودکان ممکن نیست (شفرد و ملانگا<sup>۱</sup>: ۳). در این ارتباط، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با فرهنگیان و اساتید استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۰ با اشاره به پیشنهاد یکی از سخنرانان جلسه مبنی بر آموزش فلسفه به کودکان نکات جالبی را بیان فرمودند. به گزارش رجا نیوز ایشان در این زمینه فرمودند:

«ما در دجه اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم. امروزه در کشورهای پیشرفته مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است، خیلی ها در جوامع ما اصلا تصور نمی کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می کنند فلسفه به معنای یک چیز قلمبه سلمبه ای است که یک عده ای در سنین بالا به آن توجه می کنند؛ این نیست. فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادن فهم است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید، قالب مهم است. اگر چه محتوا هم در همین فلسفه کودکان حائز اهمیت است اما عمده شیوه است یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن و خردورزی، این خیلی مهم است.»

حضور برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در دیگر کشورهای جهان واکنش هایی را در پی داشت. متخصصین امر در کشورهای دیگر سعی داشتند ضمن حفظ عناصر اصلی رویکرد لیپمن مولفه های ملی، فرهنگی و ادبی خود را در چگونگی پرورش مهارت های فکری کودکان بگنجانند و به مطالعه ی رویکردهای مختلف این برنامه از دیدگاه فرهنگ های غیر اسلامی پرداخته اند. از این رو در این پژوهش قصد داریم به نقد و بررسی و ارزیابی رویکردهای برنامه «فلسفه برای کودکان» از منظر تربیت اسلامی و مقایسه ی آن با سایر دیدگاه ها بپردازیم.

## ۱.۲. روش شناسی پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی و نقد تربیتی برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی می باشد. برای دستیابی به این هدف از روش پژوهش نقد تربیتی یا کاوشگری فلسفی انتقادی بهره گرفته شد. چراکه، کاوشگری فلسفی انتقادی عهده دار رسالت ابهام زدایی، شفاف سازی، بالا بردن فهم و درک، تدارک گزینه های بدیل، فراتر رفتن، راهبرد شدن به سوی عقلانیت در تقابل با عقلانیت افراطی، توجیه توصیه های سیاست های برنامه درسی و سرانجام بهبود عمل تربیت و برنامه درسی در ضمن آن است (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۲). مک میلان و گریسون (۱۹۸۴) سه وظیفه عمده را برای ناقدان فلسفی پیشنهاد می کنند: وظیفه اول، شامل تشریح مفروضات روش شناختی و هستی شناختی سنتی (وارسی برنامه موجود فلسفه برای کودکان) است. وظیفه

دوم، کاوشگری فلسفی انتقادی در این شیوه نقادی کار مقایسه را انجام می دهد (مقایسه پژوهش‌های چندگانه در خصوص موضوع به منظور عطف توجه به مسئله تحت رسیدگی) و در وظیفه سوم، تعیین کارایی شایسته‌ترین پارادایم یا سنت از طریق معیار پیش‌روندگی است (ترسیم مدلی برای برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی)؛ به این معنی که آیا پارادایم به سؤال‌ها پاسخ می دهد یا مسائل حیاتی را در حوزه پژوهش حل می کند یا خیر؟ (نقل از: مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹-۷۷). در این روش، محققان به دنبال جست و جوی مبنای منطقی برنامه درسی فلسفه برای کودکان که تحت اصولی بر اساس مبنای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلام تبیین شده است به قضاوت‌های درست خواهند رسید. بنابراین، ابتدا مطالعه‌ای تحلیلی درباره مبادی جهان‌نگری فلسفی اسلامی در خصوص برنامه درسی فلسفه برای کودکان صورت خواهد گرفت. سپس، هر کدام از رویکردهای فلسفه برای کودکان از منظر مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر اساس اصول و مبنای تربیت اسلامی تحت مدل مفهومی برای دین‌معان ترسیم شد.

## ۲. تاریخچه نظری و عملی بحث

فلسفه برای کودکان اصطلاح عامی است که نخستین بار توسط متیو لیپمن، استاد دانشگاه آمریکایی کلمبیا واقع در نیویورک، در قالب «برنامه درسی فلسفه برای کودکان» از سال ۱۹۶۰ به کار برده شد. بعد از لیپمن، کسانی چون فیلیپ کم، گارث. بی. ماتیوس، مارگارت شارپ، رونالد اف. رید، کریستوفر فیلیپس و رابرت فیشر به بسط برنامه‌های آموزش فلسفه برای کودکان پرداختند. این برنامه همراه با جذابیتی که در موضوع دارد، ابتدا به سرعت در آمریکا و سپس در کشورهای اروپایی گسترش یافت و سرانجام به کشورهای آسیایی و حتی آفریقا راه پیدا کرد و هم اکنون در ۱۳۰ کشور جهان عملاً در جریان است. لیپمن با اجرای این برنامه کوشید تا فلسفه را به جایگاه واقعی خویش، آنگونه که سقراط مد نظر داشت، بازگرداند. به نظر او فلسفه صرفاً ویژه بزرگسالان نیست و کودکان نیز می توانند آن را انجام دهند. او فلسفه را در معنای فلسفه ورزی به کار برد؛ کاری که کودکان می توانند آن را انجام دهند و به طور ذاتی مستعد انجام آن هستند (قائدی، ۱۳۸۶: ۶۵). البته کسانی چون جسرپرس در دانمارک و آلوز در برزیل معتقد بودند که داستان‌های لیپمن آمریکایی است و با فرهنگ دیگر کشورها همخوانی ندارد و در پی تدوین داستان‌های متناسب با فرهنگ خود بر آمدند (اکبری و مسعودی، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۵). در کشور ما نیز برنامه آموزش فلسفه برای کودکان نخستین بار در سال ۱۳۷۳ شمسی توسط بنیاد حکمت اسلامی صدرا به منزله یک طرح هدفدار شناخته شد و در همان تاریخ گروه فلسفه و کودک در این بنیاد پایه‌گذاری گشت؛ ولی بعدها مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های دیگری نیز پژوهشهایی را در این زمینه آغاز کردند (شریفی اسدی، ۱۳۸۷: ۹۷)، که بدین شرح اند:

اولین مقاله در زمینه برنامه آموزش فلسفه برای کودکان توسط صفایی مقدم (۱۳۷۷) با روش تحلیلی با اهداف و روح حاکم بر آموزش و پرورش اسلامی انجام شده؛ که با اهداف تربیت اسلامی هماهنگ است و همچنین ایشان اذعان به اصلاح ساختار برنامه‌های آموزشی و پرورشی در کشور داشته است.

تحقیقات دکتر یحیی قائدی (استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران) که رساله دکترای خود را با عنوان مبنای نظری آموزش فلسفه برای کودکان، به این موضوع اختصاص داده است؛

انجام عملی طرح توسط دکتر رضاعلی نوروزی (استاد دانشگاه اصفهان) و خانم نگین درخشنده بر روی ۱۰۲ دانش آموز در یک دبستان پسرانه در ناحیه ۳ اصفهان؛

پژوهش ها و فعالیتهای عملی در شهر تهران، توسط آقای سعید ناجی (مدیرگروه فلسفه و کودک در پژوهشگاه علوم انسانی).  
و چندی دیگر از پژوهشگران در سال های اخیر.  
برای مثال؛

جدول الف). برخی از پژوهش های انجام گرفته داخل کشور از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

عنوان پژوهش	هدف	سال و نویسنده	روش و ابزار	نتایج
بررسی و نقد برنامه فلسفه برای کودکان از منظر حکمت متعالیه	نقد برنامه فلسفه برای کودکان بر اساس مبانی فلسفه حکمت متعالیه	ستاری (۱۳۹۱)	شیوه تحلیلی - استنتاجی	وجوه اشتراک و افتراق میان برنامه فلسفه برای کودکان و مبانی فلسفه حکمت متعالیه
بررسی و تحلیل برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با نظر به میزان ابتدای آن بر پراگماتیسم دیویی	تحلیل برنامه فلسفه برای کودکان بر اساس آراء پراگماتیستی (کلینتون گلدینگ)	ناجی و همکاران (۱۳۹۰)	شیوه تحلیلی - استنتاجی	همسو دانستن آموزه های فلسفه برای کودکان با آموزه های پراگماتیسم دیویی
تبیین مبانی فلسفی (معرفت شناختی) آموزش فلسفه برای کودکان در ایران	ارائه مبانی فلسفی (معرفت شناسی) برنامه فلسفه برای کودکان در ایران	جبل عاملی، فروشانی، یوسفی، قادی و کشتی آرای (۱۳۹۴)	روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی و ترکیب سازوار	ترکیب سازوار بین مبانی معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در ایران با توجه مبانی معرفت شناختی غرب
تعلیم و تربیت انتقادی و پیوندهای آن با برنامه آموزش فلسفه برای کودکان	تحلیل تشابهات دو نگرش تربیتی رویکرد انتقادی و برنامه آموزش فلسفه برای کودکان	راجی (۱۳۹۱)	روش استنتاجی	شبهت هایی همچون پرورش تفکر و آگاهی انتقادی، طرح مسئله، آموزگار در نقش تسهیلگر، حلقه کندوکاو فلسفی و حلقه فرهنگی، شیوه آموزشی گفت و شنود بین آموزگار و دانش آموز، و ... در هر دو دیدگاه به وضوح دیده می شود.
بررسی رویکردهای مختلف در برنامه	توجه به رویکرد فلسفیدن به واسطه ی	حسینی و حسینی (۱۳۹۱)	روش توصیفی - تحلیلی	۱- به عنوان واحد درسی مستقل در برنامه ی درسی

آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی رسمی	برنامه ی فلسفه برای کودکان در کشورهای مختلف		رایج، ۲-به عنوان جاری شدن روش و روح فلسفیدن در کل برنامه درسی و ۳- به صورت ترکیبی یعنی هم به عنوان واحد درسی مستقل و هم به صورت تلفیق در دروس دیگر.
امکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی	امکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در دوره ابتدایی	مرعشی، رحیمی نسب و لسانی، (۱۳۸۷)	روش زمینه یابی آموزگاران دوره ابتدایی از نگرش مثبت، دانش کافی و مهارت ناکافی در اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان دارند همچنین مدارس شهر کرمان از امکانات کافی در اجرای این برنامه برخوردار نبوده اند.

## ۲.۱. اهداف برنامه فلسفه برای کودکان

اهداف این برنامه را می توان از انگیزه های خود لیپمن دریافت کرد. آنچه لیپمن را به این وا داشت که برنامه ای را برای آموزش مهارت های فکری به کودکان تدوین کند این بود که مشاهده کرد جوانان دانشگاهی (و البته استادان آنها) آمادگی برخورد با مشکلات فی مابین را ندارد و علت را در آن دید که آموزش کافی در این باره ندیده اند. بر این نتیجه رسید که در مقطع دانشگاه، آموزش این مهارت بسیار مشکل و در واقع خیلی دیر است؛ لذا راه حل را در این دید که در دوره دبستان و دبیرستان به این مهم پردازد. برای این منظور وی «فلسفه برای کودکان» را مطرح کرد (رستمی، رحیمی، هاشمی و رستمی: ۵؛ ناجی و قاضی نژاد، ۱۳۸۶). این کار البته مستلزم نوعی بازنگری در برنامه ها و مواد درسی و حتی وظایف و اهداف سازمان مدارس بود (اصغری، ۱۳۸۸: ۳۱۴). این برنامه، به دنبال آن نیست که ضرورتاً معلم پاسخگوی پرسش های دانش آموز باشد (آقا جعفری: ۸۶)، به عبارت دیگر لیپمن هدف اصلی فبک را کمک به آموختن چگونگی اندیشه ورزی برای خود میداند (صدر، ۱۳۹۸: ۸۲)، در هر حال لیپمن اهداف این برنامه را تحت پرورش تفکر خلاق (نوری، ۱۳۸۶ و شقاقی و رضایی کارگر، ۱۳۸۹)، پرورش تفکر انتقادی (آقا جعفری، ۱۳۹۱: ۸۷ و قبادیان، ۱۳۹۴: ۱۴۰)، پرورش ارزش های اخلاقی (هدایتی و زریباف، ۱۳۹۱: ۱۴۷) و آموزش ارزش های هنری در دانش آموزان ذکر کرده است. در نهایت، هدف این برنامه آن است که به کودکان یاد داده شود که چگونه خودشان فکر کنند، تصمیم بگیرند و مسائل و مشکلات خود را حتی المقدور خود حل کنند (ناجی و قاضی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵). بنابراین، مطابق اهداف این برنامه می توان به دستاوردهای ذیل اشاره کرد:

۱. پرورش قدرت تفکر چندبعدی در کودکان که در نتیجه آن توانایی استدلال، داوری، خلاقیت های فکری و تفکر دقیق در آنها پرورش یابد؛

۲. تربیت مردان و زنانی که در پیچ و خم‌های زندگی ماشینی و الکترونیکی امروز با حجم بالای اطلاعات و فناوری بتوانند در زندگی روزمره شان، بر سر دوراهی‌ها، تصمیم‌های درست بگیرند؛
۳. مسئولیت پذیری، جامعه پذیری، انعطاف پذیری و درونی شدن رفتارهای اخلاقی در کودکان (حسینی و حسینی، ۱۳۹۱: ۹۴؛ صادقی هاشم آبادی و کاظم علوی، ۱۳۹۳: ۶۶).

## ۲.۲. رویکردهای مختلف فلسفه برای کودکان

بررسی رویکردهای مختلف برنامه‌ی فلسفه برای کودکان نشان می‌دهد که در این برنامه چهار رویکرد اصلی از جمله رویکرد فرایندی (روشی)، رویکرد محتوایی، رویکرد مبتنی بر پیوند فلسفه با ادبیات و رویکرد فرهنگی وجود دارد.

جدول ب). رویکردهای موجود فلسفه برای کودکان با مفروضات و اهداف

منبع	هدف	مفروضات اساسی	حقیقت	رویکردها
موریس <sup>۱</sup> ، ۲۰۰۰، ۲۶۱	تقویت مهارت‌های روانشناختی در کودکان	روش فلسفیدن به روش لیپمن (پاسخ سوال به سوالات بیشتر منجر می- شود)	فلسفه به عنوان نوعی فعالیت (شناسایی و فهم امور)	رویکرد فرایندی
اکبری، جاویدی کلانه جعفرآبادی، شعبانی ورکی و تقوی (۱۳۹۱)	تشکیل معرفتی منسجم از طریق آشنایی کودکان با اندیشه‌های فیلسوفان	تاکید بر محتوای فلسفه در قالب یک داستان	سعی بر ساده سازی و قابل فهم کردن محتوای فلسفی	رویکرد محتوایی
اکبری، جاویدی کلانه جعفرآبادی، شعبانی ورکی و تقوی (۱۳۹۱)	آموزش اندیشه های فلسفی از متون کهن ادبیات داستانی و ...	ایجاد پیوند بین فلسفه و ادبیات کهن	تاکید بر متون داستانی ادبیات کهن به عنوان محتوای فلسفه	رویکرد مبتنی بر پیوند فلسفه با ادبیات
آدمیت، سرمدی و اسماعیلی، ۱۳۹۳، ص ۳؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۰:	تدوین برنامه درسی بومی در قالب برنامه درسی ملی	چگونگی پرورش مهارت‌های فکری بر اساس مولفه‌های ملی، فرهنگی و ادبی	تاکید بر فرهنگ وابستگی داستان و طرح و انتخاب و باز نویسی داستان‌هایی از فرهنگ بومی	رویکرد مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی متون
قائدی، ۱۳۹۰	تشکیل اجتماع پژوهشی در کلاس درس بواسطه توجه بر انواع حالت‌های	ایجاد تلفیق بین مهارت‌های شناختی، منابع و رشته‌های درسی و روش	تاکید بر در هم تنیدن و انواع حالت‌های ذهنی و فلسفی و ...	رویکرد تلفیقی



	شناسی آنها	ذهنی و فلسفی	
رویکرد فلسفی (رویکرد روایتی، رویکرد دیالوگی، رویکرد بازی و رویکرد فعالیت)	تاکید به روش فلسفیدن و نیز پرورش قوه ی استدلال	هدایت کلیه فعالیت‌های برنامه درسی بر اساس اصول فلسفیدن	بسترسازی رویکرد فلسفیدن در زیربنای برنامه ی درسی ملی <sup>۱</sup>
			کندی، ۱۹۹۹ (به نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰)، ص ۸۰؛ قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۹۵

### ۳.۲. نقد تربیتی برنامه فلسفه برای کودکان بر اساس مبانی تربیت اسلامی

بین استعداد‌های خاص انسان، استعداد عقلانی و تفکر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در انسان‌شناسی اسلامی بر این وجه از ویژگی انسان تأکید بسیاری شده است به گونه‌ای که آن را پیامبر باطنی انسان شمرده و اصول دین را جز با تحقیق عقلانی نپذیرفته و در فروع دین نیز عقل را یکی از منابع اجتهاد معرفی کرده است. در واقع، منظور از عقل، در جایگاه منبعی از منابع تعلیم و تربیت اسلامی، استعداد یا نیرویی است که انسان با آن، حقیقت را از خطا، حق را از باطل یا درست را از نادرست تشخیص می‌دهد و به شناخت و معرفت کلی می‌رسد (حسینی: ۳۳). در این ارتباط از آنجا که، فلسفه به عنوان محتوا مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی و تجویزی است و در ابعاد مختلف هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی بنیاد مطالعات دیگر قرار می‌گیرد. این گزاره‌ها یکی از مبانی مهم و اساسی نظریه‌های تربیتی هستند. هر نظریه تربیتی نیز به سبب ارتباط وثیقش با انسان، باید تکلیف خود را با انسان مشخص نماید. چراکه، هر نظریه تربیتی به صورت صریح و ضمنی مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مشخصی را در نظر می‌گیرد و بر اساس آن استخوان‌بندی و شاکله نظریه خود را با استفاده از گزاره‌های توصیفی و تجویزی شکل می‌دهد.

در ارزیابی برنامه فلسفه برای کودکان باید گفت هر یک از رویکردهای این نوع از برنامه، از نظر هدف تربیتی، ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناختی از جهان بینی خاصی برخوردار است که محققان در این قسمت کلیت برنامه فلسفه برای کودکان که از غرب شکل گرفته است، مورد نقد تربیتی از منظر تربیت اسلامی قرار می‌دهند:

در بررسی‌های انجام گرفته باید گفت که هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه لیپمن به عنوان مبدع این برنامه، مبنای عمل بر اساس فلسفه پراگماتیسم دیویی با استفاده روش دیالکتیک سقراط (تفکر انتقادی سقراط) بوده است کودکان در این برنامه در حیطه مسائل زندگی روزمره که از عینیت کافی برخوردار است پیرامون آن‌ها به گفتگوی فلسفی می‌پردازند (ستاری: ۵). در معرض نقد این دیدگاه باید گفت که به لحاظ هدف تعلیم و تربیت در اسلام، مظاهر و ابعاد تقرب به خداوند در سه طبقه جای می‌گیرد که عبارتند از: خودشناسی و حرکت انسان به سوی کمال، خدمت به خلق و برخورد مسئولانه با جهان طبیعت (شکوهی، ۱۳۷۴: ۲). و نیز این هدف‌های زمینه‌ساز در چهار طبقه، یعنی تعلیم و تربیت فرد درباره مبدأ آفرینش، تعلیم و تربیت فرد در مورد خویشتن، تعلیم و تربیت فرد که با جامعه بشری مرتبط است و تعلیم و تربیت فرد که با عالم طبیعت ارتباط دارد، جای می‌گیرد که در دیدگاه تربیتی عملگرای لیپمن، چنین چیزی دیده نمی‌شود.

۱. مانند برنامه درسی ملی؛ که رویکرد فلسفی را در قالب‌های فکری چون تفکر، تعقل، علم و آگاهی، عمل و اخلاق در ساحت‌های نسبت به خود، خدا، دیگران و جهان آفرینش (طبیعت) آمده است.

در مبانی هستی‌شناسی نیز، لیپمن از رد مطلق‌ها در زمینه هستی و پیچیدگی جهان و ابهام در کل هستی بیشتر سخن گفته است که می‌توان گفت در این دیدگاه کودک خود را در جهانی ناشناخته تصور می‌کند که باید در زندگی خویش آن را با تجربه کشف نماید و برای خروج از این وضعیت به واسطه گفت‌وگوی فلسفی با تکیه بر الگوی حل مسئله بر آن همه ناشناخته‌ها باید فائق آید (ستاری، ۱۳۹۱: ۴-۵). عالم در جهان‌بینی اسلامی، واقعیت متغیر و متحرک، بلکه عین حرکت است. همچنین، هستی سامانه‌ای است که همه اجزای آن به‌طور دقیق با هم در ارتباطند و یک واحد حقیقی را تشکیل می‌دهند. این واحد حقیقی در حرکت است و هیچ‌گونه سکون و آرامشی در او وجود ندارد و چون در حرکت است، هدف و مقصد نهایی (آخرت) برای آن ضرورت خواهد داشت (مطهری، ۱۳۸۶: ۷۲).

همچنین در مبانی انسان‌شناسی، لیپمن توجه چشم‌گیر به تکامل زیستی کودکان در طبیعت و توجه به بعد فردی و اجتماعی کودکان در ارتباط با جامعه پیرامون بیشترین سخن به میان آمده است که در باب نگرش مثبت به انسان و تجربه وی در جهت تغییر و تحول در محیط اجتماعی است که لیپمن این الهام را از اندیشه اجتماعی جان دیویی و ویگوتسکی روانشناس اجتماعی روسی گرفته، که در برنامه فلسفه برای کودکان برای همین از تشکیل اجتماع پژوهشی<sup>۱</sup> نام برده است (لیپمن، ۲۰۰۴). از منظر تربیت اسلامی، اسلام انسان را موجودی دارای ابعاد مادی و الهی و کاملاً هدفمند می‌داند.

در مبانی معرفت‌شناسی برنامه فلسفه برای کودکان نیز، لیپمن از نسبت‌گرایی غیرمطلق در شناخت، اصالت زبان در گفت و گوی اجتماعی و فرهنگی، پیوستگی میان نظریه و عمل، شناخت در فرایند تحلیل مفهوم و معنایابی مبتنی بر تجربه زیستی بیشتر سخن رانده است. از جمله نقاط قوت این برنامه در بعد معرفت‌شناسی می‌توان به اعطای بینش حاصل از فرایند تفکر و اعطای روحیه پرسش و پژوهشگری به کودکان و کسب مهارت‌های تفکر و گفت و گو با دیگران اشاره نمود (ستاری، ۱۳۹۱: ۸). اما در معرفت‌شناسی اسلامی، نسبت‌گرایی قابل قبول نمی‌باشد؛ لذا پویایی در حدی پذیرفتنی است که با ثبات معارض نباشد.

در نهایت، بعد ارزش‌شناسی این برنامه تحت تأثیر نسبت‌گرایی حاصل از فلسفه عملگرایی در تبیین ارزش‌های فردی و اجتماعی و توافق حاصل از آن قرار گرفته است. از این رو، لیپمن با هرگونه تلقین آموزه‌های کلاس درس به کودکان مخالف است. بنابراین، در برنامه فلسفه برای کودکان از نظر لیپمن، ارزش‌ها فردی هستند و در قالب ارزش‌های اجتماعی مورد توافق قرار می‌گیرند و هیچ‌اصالتی ندارد. از نظر ستاری (۱۳۹۱) نیز قوت ارزش‌شناختی در این برنامه در ملاحظات اخلاقی هنگام بحث و گفت و گوی فلسفی کودکان است که در آن به آرا و نظرات دیگران، و یادگیری آداب تعامل اجتماعی توجه می‌شود؛ اما در ارزش‌شناسی بر مبنای تربیت اسلامی، آنچه ارزش است می‌تواند مطلق یا نسبی باشند و یا هم می‌توانند مبتنی بر حکمت الهی و هم مبتنی بر اعمال انسان باشند.

جدول ج). نقد دیدگاه های غربی فلسفه برای کودکان با دیدگاه تربیت اسلامی

دیدگاه تربیت اسلامی	نقد دیدگاه های غربی فلسفه برای کودکان
پرستش خدا و رسیدن به کمال، تکامل انسان، تقوا، پرورش روحیه عدالت جویی، تربیت اجتماعی انسان، همزیستی مسالمت آمیز، پرورش نیروی تفکر، پرورش اخلاقی، و ...	هدف تعلیم و تربیت عمل گرایی در راستای روش دیالکتیک سقراط (تفکر انتقادی سقراط) خواندن در سایه تفکر با رویکرد داستان(غنی سازی تفکر و یادگیری در ساعت سوادآموزی)
در جهان بینی توحیدی، چیزی در هستی نیست که از قلمرو آفرینش خداوند خارج باشد. جهان بینی اسلامی جهان را مجموعه ای از غیب و شهادت می داند. عالم در جهان بینی اسلامی، واقعیت متغیر و متحرک، بلکه عین حرکت است.	هستی شناسی رد مطلق ها در زمینه هستی و پیچیدگی جهان و ابهام در کل هستی(پس باید کودکان در جهت تغییر در هستی و عدم ثبات ها بکوشند.) عقل جزئی نگر
اسلام انسان را موجودی دارای ابعاد مادی و الهی و کاملاً هدفمند می داند.	انسان شناسی توجه چشم گیر به تکامل زیستی کودکان در طبیعت و توجه به بعد فردی و اجتماعی کودکان در ارتباط با جامعه پیرامون
اسلام راه های معرفت را هم امری عقلی و هم امری نقلی می داند و معرفت اصیل را شناخت خداوند می داند.	معرفت شناسی نسبیت گرایی غیرمطلق در شناخت، و معنایابی مبتنی بر تجربه زیستی در انسان
در اسلام ارزش ها هم می توانند مطلق یا هم نسبی باشند و هم می توانند مبتنی بر حکمت الهی و هم مبتنی بر اعمال انسان باشند.	ارزش شناسی فردی بودن ارزش ها و توافق ارزش ها در قالب ارزش های اجتماعی بدون هیچ اصلتی

#### ۲.۴. نقد ساختار برنامه فلسفه برای کودکان در ایران

فلسفه برای کودکان تلاشی برای بازسازی فلسفه در متن زندگی است، برای اندیشیدن و کندوکاوی مشترک در حلقه ی تعاملات فکری، عاطفی، رفتاری و نگرشی کودکان با همراهی و هدایت معلم برای دستیابی به تفکری انتقادی، خلاق و مسئولانه. کنکاشی که به کشف خویشتن خویش و درک مفاهیم فلسفی از راه گفتگویی صادقانه، مستدل و هدفمند که منجر به رشد مهارت های ارتباطی زبانی و فکری افراد می شود(مهرگان، ۱۳۸۸). در این برنامه، باید ویژگی هایی چون گوش دادن، احترام متقابل، همدلی، صمیمیت، استدلال بهتر، سکوت، طرح سوال درست و فلسفی، آزادی و استقلال فکری، اطمینان و اعتماد، نظم و هماهنگی، تأمل تفکر و تجربه، چالش، کاوش و سنجش، حیرت و محبت، تصحیح، تمییز و تبیین، استدلال ارزیابی و انتخاب در کندوکاوی فلسفی و جمعی تمرین می شود تا ملکه ی ذهن کودکان شود و آینده شاهد جامعه بزرگسالی اندیشمند شد. از جمله چالش های مهم در این عرصه را می توان: عدم مربیان آموزش دیده و ماهر به آموزش فلسفه به کودکان، تفکیک بین ارزش های اجتماعی موجود و هنجارها، نقش مبهم از معلم در این نوع آموزش، عدم آگاهی

خانواده از فلسفه آموزش و پرورش برای کودکان، عدم رشد شناختی کودک، به درک مفاهیم انتزاعی از برنامه فلسفه آموزش برای کودکان انجامیده است.

امکانات یا منابع انسانی و مادی برای اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان مطلوب نیست و پیشنهاد می شود امکانات متنوع و مناسب همچون کادر تخصصی خیره، اینترنت و امکان استفاده از آن، نشریات مرتبط با موضوع، کتاب هایی با موضوع آموزش فلسفه به کودکان و بانک اطلاعات کتاب های فکری، با توجه به نیاز سنجی های صورت گرفته، تدارک دیده شود (مرعشی، رحیمی نسب و لسانی، ۱۳۸۷). علاوه بر چالش فوق، باید گفت که نظام آموزشی در ایران، از استانداردهای لازم برای اجرای برنامه فلسفه برای کودکان به لحاظ اجرا هنوز فاصله زیادی دارد چراکه، در حال حاضر کلاس های درس آموزش ابتدایی در کشور از تعداد دانش آموز ۳۰ نفر و بالاتر قرار دارد. همچنین وقتی از آموزگاران و والدین دانش آموزان از وجود چنین برنامه ای پرسیده می شود از بی خبری آن ها نسبت به برنامه خبر داده می شود.

## ۲.۵. ارائه برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی

### ۲.۵.۱. اصول طراحی برنامه فلسفه برای کودکان بر مبنای هستی شناسی اسلامی

هر مکتب و عقیده ای برای تعریف و شناخت انسان در جایگاه مهم ترین پدیده هستی و تبیین جایگاه او، ناگزیر است تفسیر و تحلیلی از جهان هستی داشته باشد. سپس، در پرتو آن به تعریف انسان بپردازد. بر این اساس، در این قسمت به توضیح اصول تفکر و تعقل از منظر جهان بینی اسلامی پرداخته می شود. برنامه فلسفه برای کودکان به لحاظ هستی شناسی باید طوری طراحی شود که پیوند تعقل با روان، تعقل را، هدف غایی خلقت و روح حاکم بر جهان هستی پیوند زند (آل عمران، آیات ۱۹۰-۱۹۱؛ مبنی بر نظاره جهان هستی توسط انسان در جهت اندیشیدن به قدرت و نشانه های عظمت و حکمت خداوند). بنابراین، در آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان باید:

۱. هستی یک آفریده است و آفریدگاری دارد.
  ۲. هستی غیب و شهادت دارد.
  ۳. تکامل مداوم هستی و جهت تکاملی پدیده های آن.
  ۴. تشریح جهان ماورای جهان طبیعت (معاد)
- مدنظر قرار گیرد. چراکه روح حاکم بر تربیت عقلانی از منظر تربیت اسلامی که زمینه فعالیت آن روح است، هدف، روحیه فطرت جوئی بوده است که از طریق تقرب الهی به کمال می رسد.

### ۲.۵.۲. اصول طراحی برنامه فلسفه برای کودکان بر مبنای انسان شناسی اسلامی

انسان در جایگاه یکی از پدیده های هستی، سرنوشتی جدا از سایر پدیده های جهان نمی تواند داشته باشد. در عین حال، این پدیده (انسان) ویژگی های مختص به خود را دارد. این ویژگی ها سبب شده که تکامل و شیوه تکامل آدمی با سایر پدیده ها متفاوت باشد.

برنامه فلسفه برای کودکان به لحاظ انسان شناسی باید طوری طراحی شود که به ویژگی های تکاملی انسان، ابعاد تعقل انسان، اختیار و آزادی انسان، خودآگاهی و شناخت خویش و همچنین هدفمندی انسان توجه لازم بشود برای همین در طراحی باید اصول ذیل رعایت شود :

۱. توانایی های عقلانی همراه با عواطف و نگرش آنان نسبت به جلوه های زیبایی هستی تقویت شود.
۲. امکان تعامل اجتماعی مؤثر و کسب هویت اجتماعی مناسب فراهم شده و بین انتظارات و محدودیت های وجودی فرد تناسب برقرار شود.

۳. امکان به کارگیری اراده و اختیار در فعالیتهای فکری و پاسخگویی در قبال اعمال محقق شود.

۴. «گرایش ربوبی» خفته در درون آدمی برانگخته شود.

۵. به وسیله تعقل و فلسفیدن نسبت به مسائل هستی، علم و آگاهی حاصل و در عمل و اخلاق نیز دیده شود.

### ۲.۵.۳. اصول طراحی برنامه فلسفه برای کودکان بر مبنای معرفت شناسی اسلامی

برنامه فلسفه برای کودکان باید طوری طراحی شود که :

۱. اطلاعات کامل و مرتبط درباره پدیده ها انتقال داده شود، در غیر این صورت فهم ناقص از واقعیت به دست

خواهند آورد و امکان درک انطباق علم با واقعیت برای کودکان (با شواهد و دلایل کافی) باید فراهم شود.

۲. هر بخش برنامه فلسفه برای کودکان به بخش قبلی اعتماد کند و مباحث آن بر مبنای مباحث قبلی استوار شود.

۳. مجموعه مواد آموزشی پیش بینی شده در برنامه فلسفه برای کودکان جنبه های اساسی فطرت و نیازهای اساسی کودکان و نوجوانان را پوشش دهد.

۴. کثرت دروس در دوره آموزش ابتدایی باید کم و به برنامه فلسفه برای کودکان منجر شود.

۵. کودکان به طور مداوم و جهت دار با «مسأله‌ها» مواجه و به وسیله نقد آن به دانش و مهارت خود بیفزایند.

### ۲.۵.۴. اصول طراحی برنامه فلسفه برای کودکان بر مبنای ارزش شناسی اسلامی

برنامه فلسفه برای کودکان باید طوری طراحی گردد که در آن :

۱. کودکان و نوجوانان علاوه بر وظایف و تکالیف اخلاقی و ارزشی با حکمت آنها نیز آشنا شوند؛ در غیر این صورت پایداری ارزش‌ها در آنها اندک خواهد بود.

۲. ارزش‌های مطلق و ثابت به درستی شناخته شود و آثار این ارزش‌ها در همه عناصر برنامه و در همه دوره های تحصیلی با توجه به ماهیت دوره بروز و ظهور پیدا کند.

۳. ارزش‌های متغیر و نسبی که از شرایط زمانی و مکانی تاثیر می پذیرند به کودکان و نوجوانان معرفی شوند و به تناسب موضوعات آموزشی بدانها توجه شود.

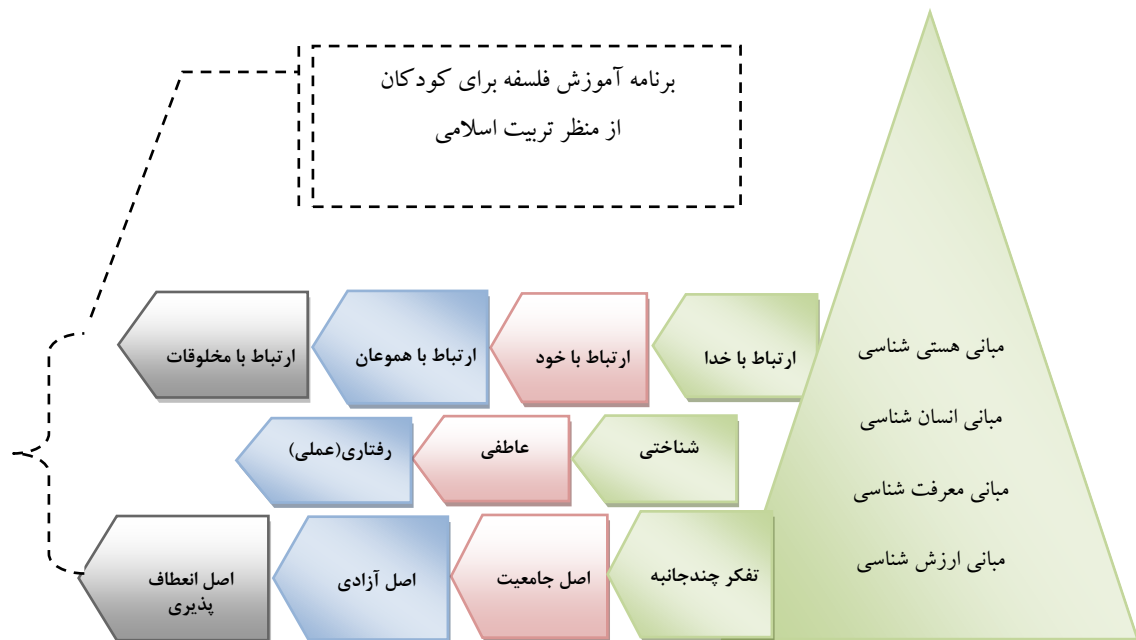
۴. ارزش ابزاری طبیعت به طرز صحیح به کودکان آموزش داده شود و مهارت و اخلاق استفاده درست از طبیعت نیز در او تقویت گردد.

۵. هیچ یک از عوامل انسانی مؤثر در برنامه؛ یادگیرنده، معلم و سایر افراد دخیل در تربیت تحقیر نشوند و کرامت ذاتی آنان نادیده گرفته نشود.

۶. امکان پرورش «یادگیرنده آزاد» در معنای اسلامی آن فراهم باشد؛ یعنی به گونه‌ای تربیت شود که جز معیار «حق» به معیار دیگری وابستگی نداشته باشد و از شخصیت مستقل برخوردار گردد.

۷. برنامه فلسفه برای کودکان، ذائقه زیبایی را در دانش آموزان اعتلا دهد و به تدریج آنان را طوری پرورش دهد که زیبایی‌ها را در جهت «امور خیر» بپذیرند.

در نهایت، این نوع برنامه باید به پرورش انسان خردمند که در اثر ایمان و تزکیه صاحب بصیرت اسلامی شده است تبدیل شود که مبنای عمل بایستی توسط برنامه ریزان درسی در حوزه تفکر و تعقل کودکان جامع عمل پوشد.



### مدل مفهومی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از منظر تربیت اسلامی

با نگاهی کوتاه به وضعیت برنامه آموزشی در مدارس و نظام های آموزشی کشور و بازخورد گرفته شده توسط ارزیابان آموزشی این گونه تصور می شود که نتوانسته ایم به پیشرفت قابل ملاحظه ای در جهت رشد و تولید شاخص های کیفی در علم برسیم. بنابراین، از نظر متخصصان برنامه آموزش فلسفه برای کودکان مانند لیپمن و فیشر، عدم آموزش درست و صحیح تفکر و تعقل در دوران کودکی و نوجوانی (رستمی، رحیمی، هاشمی و رستمی، ۱۳۹۱ و ناجی و قاضی نژاد، ۱۳۸۶) شاید عامل اصلی نرسیدن به جامعه ای پویا و اندیشمند در تراز جهانی باشد. هدف اصلی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر مبنای فکری و اعتقادی هر کشوری ترسیم شده است که در اکثر پژوهش های قبلی این اهداف تحت؛ پرورش قدرت تفکر چندبعدی در کودکان که در نتیجه آن توانایی استدلال، داور، خلاقیت های فکری و تفکر دقیق در آنها پرورش یابد و همچنین مسئولیت پذیری، جامعه پذیری، انعطاف پذیری و درونی شدن رفتارهای اخلاقی در کودکان ترسیم شده است (حسینی و حسینی، ۱۳۹۱ و صادقی هاشم آبادی و کاظم علوی، ۱۳۹۳) که با برنامه هایی چون؛ آموزش تفکر خلاق، تفکر انتقادی، ارزش های اخلاقی و هنری و ... تحت رویکردهای فرایندی، محتوایی، ادبیات داستانی، فرهنگی، تلفیقی، و رویکرد فلسفی در معرض اجرا می باشد. اما، آنچه که این رویکردها را در کشور اسلامی نسبت به سایر کشورها متمایز می سازد مبنای فلسفی و اعتقادی کشورها می باشد که در این مقاله نقد این دیدگاه ها باعث شد تا به ارائه اصول طراحی برنامه فلسفه برای کودکان جهت بهبود وضعیت تربیتی این برنامه منجر شود. باید گفت که، مبنای فکری - فلسفی فلسفه برای کودکان رایج در تضاد با فرهنگ ایرانی- اسلامی است؛ لذا لازم است در آموزش و پرورش ایران اسلامی اقدام به بومی سازی شود. چراکه، روش آموزش فلسفه برای کودکان آموزش آراء فلسفی نیست، بلکه آموزش تفکر فلسفی است که در این خصوص باید در آموزش معلمان نیز توجه ویژه ای شود که در آینده شاهد کودکان و نوجوانان و همچنین بزرگسالانی خردمند و فکور باشیم.

## منابع

- آدمیت، حسین؛ سرمدی، محمدرضا و اسماعیلی، زهره (۱۳۹۳). «تحلیل و بررسی رویکردها و اهداف آموزش فلسفه به کودکان». اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند.
- آقاجعفری، زهرا (۱۳۹۱). «ارزیابی اهداف و محتوای آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر اندیشه ی اسلامی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- اصغری، سید امیر حسین (۱۳۸۸). «تأملی در فلسفه با - برای کودکان». مجله فرهنگ، ۶۹، ۳۱۳ تا ۳۱۶.
- اجلال، زهرا (۱۳۹۲). «جایگاه عقل از نگاه حضرت علی علیه السلام». از بیانات حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله..)، بخش نهج البلاغه سایت تبیان (زمان دسترسی، ۱۲ مهر ۱۳۹۵).
- اکبری، احمد؛ اکبری، ملیحه و اجلالی، زینب (۱۳۹۳). «بررسی روش مناسب استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان (p4c) در ایران». فلسفه و کودک، ۳ (۱) (پیاپی ۵۶)، ۷۲-۸۶.
- اکبری، احمد و مسعودی، جهانگیر (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان: رویکردهای تربیت دینی به آموزش تفکر». پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴ (۳)، ۱۳۶ - ۱۱۷.
- اکبری، احمد؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ شعبانی ورکی، بختیار و تقوی، محمد (۱۳۹۱). «فلسفه برای کودکان مضامین فلسفی در داستانهای متون کلاسیک ادب فارسی. تفکر و کودک»، پژوهشگاه علوم انسانی، ۳ (۲)، ۱-۲۵.
- اکبری، احمد؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ شعبانی ورکی، بختیار و تقوی، محمد (۱۳۹۱). «رویکرد انتگرال بر فلسفه برای کودکان». پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲ (۲)، ۷۵-۹۸.
- جبل عاملی فروشانی، زهرا؛ یوسفی، علیرضا؛ قائدی، یحیی و کشتی آرای، نرگس (۱۳۹۴). «تبیین مبانی فلسفی (معرفت شناختی) فلسفه برای کودکان در ایران». پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۲ (۱۹) (پیاپی ۴۶)، ۱-۹.
- حسینی، زهره (۱۳۸۹). «فلسفه و کودکان». خردنامه صدرا، ویژه نامه دهمین سالگرد انتشار، ۱۰۰-۹۳.
- حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۳). **مباحثی چند پیرامون مبانی تعلیم و تربیت اسلامی**. تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
- رضانی، معصومه (۱۳۸۹). «بررسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی. تفکر و کودک»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱ (۱)، ۲۱-۳۵.
- راجی، ملیحه (۱۳۹۱). «تعلیم و تربیت انتقادی و پیوندهای آن با برنامه آموزش فلسفه برای کودکان». تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ (۱)، ۱۵-۴۲.
- رستمی، کاوه؛ رحیمی، ابراهیم؛ هاشمی، سپیده و رستمی، ویدا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی در برنامه ی «فلسفه برای کودکان» بر خلاقیت کودکان. تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی، ۳ (۲)، ۱۷-۱.
- ستاری، علی (۱۳۹۱). «بررسی مفهوم و نقش فلسفه در فلسفه برای کودکان با توجه به روش متیو لیپمن». فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم، ۱۴ (۱)، ۱۲۱-۱۳۲.
- ستاری، علی (۱۳۹۱). «بررسی و نقد برنامه فلسفه برای کودکان از منظر حکمت متعالیه». تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ (۲)، ۱۰۶-۸۳.
- سلیمانی ابهری، هادی (۱۳۸۷). «آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی». فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، ۱۰ (۱)، ۲۱۸-۲۰۰.
- شریفی اسدی، محمدعلی (۱۳۸۷). «نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالش های فراروی آن». معارف عقلی، ش ۱۰، ۹۵-۱۱۴.
- شقاقی، فرهاد و رضایی کارگر، فلور (۱۳۸۹). «تاثیر آموزش مهارتهای تفکر خلاق و نقادانه بر بهزیستی روانشناختی نوجوانان». تحقیقات روانشناختی، ۵، ۶۱-۸۲.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۴). **تعلیم و تربیت و مراحل آن**. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- صدر، فاطمه (۱۳۹۸). « بررسی تطبیقی دیدگاه شهید مطهری با دیدگاه متیو لیپمن درباره اهداف تعلیم و تربیت». دوفصل نامه علمی\_ پژوهشی تربیت اسلامی، ۱۴ (۲۸)، ۷۵-۹۴.
- صادقی هاشم آبادی، محمد و کاظم علوی، سیدمحمد (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان». حکمت و فلسفه، ۶ (۲) (پیاپی ۱۲)، ۷۸-۵۹.
- فرید، مرتضی (۱۳۸۶). **الحدیث: روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (ع)**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قائدی، یحیی و سلطانی، سحر (۱۳۹۰). « فلسفه ویتگنشتاین و برنامه فلسفه برای کودکان ». تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ (۱)، ۹۱-۱۰۷.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۶). « امکان آموزش فلسفه به کودکان: چالش بر سر مفهوم فلسفه ». مطالعات درسی، ۷، ۶۱-۹۴.
- قبادیان، مسلم (۱۳۹۴). «تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی». پژوهش های تربیتی، ۳۰، ۱۳۹-۱۴۸.
- الماسی حسینی، سید صمد (۱۳۹۱). «بررسی تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد مهارت های اجتماعی و عزت نفس دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- عابدی، منیره؛ نوروزی، رضاعلی؛ مهرابی، حسینعلی و حیدری، محمدحسین (۱۳۹۸). « شناسایی مولفه های فلسفه برای کودکان در آموزه های امام علی (ع) ». دوفصل نامه علمی\_ پژوهشی تربیت اسلامی، ۱۴ (۲۸)، ۱۱۵-۱۳۷.
- مرادی، علی (۱۳۹۱). «تبیین شیوه های تربیت عاطفی کودک از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)». پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- مرادی، مسعود؛ سیدکلان، میرمحمد و عیاری، لیلا (۱۳۹۳). « طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی آن ». فصل نامه علمی- ترویجی پژوهش های مهدوی، ۳ (۹)، ۱۳۹-۱۱۸.
- مرعی، سیدمنصور؛ رحیمی نسب، حجت اله و لسانی، مهدی (۱۳۸۷). « امکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی ». فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۷ (۲۸)، ۷-۲۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). **مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی**، تهران: صدرا.
- مهرگان، فرانک (۱۳۸۸). « بررسی و تحلیل مبانی معرفت شناسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان با توجه به سبک لیپمن و فیشر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز پیام نور تهران، دانشکده علوم انسانی.
- ناجی، سعید؛ صفایی مقدم، مسعود؛ هاشم، رسانی؛ آیت الهی، حمیدرضا و شیخ رضایی، حسین (۱۳۹۰). « بررسی و تحلیل برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با نظر به میزان ابتدای آن بر پراگماتیسم دیویی ». تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ (۲)، ۷۹-۱۰۰.
- نوری، ربابه (۱۳۸۶). **مهارت های تفکر نقادانه و خلاق**، تهران: طلوع دانش.
- ناجی، سعید و قاضی نژاد، پروانه (۱۳۸۶). « بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان روی مهارت های استدلال و عملکرد رفتاری کودکان ». فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۲ (۳)، ۱۲۷-۱۵۰.
- هدایتی، مهرنوش و زریباف، مژگان (۱۳۹۱). « پرورش هوش معنوی از طریق برنامه فلسفه برای کودکان ». تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ (۵)، ۱۳۵-۱۶۶.
- Asrori, H. Achmad (2016). Islamic Education Philosophy Development, *Journal of Education and Practice*, Vol.7, No.5, 74-82.
- Dolimpio, L. & Teschers, C. (2016), Philosophy for Children Meets the Art of Living: A Holistic Approach to an Education for Life. *Philosophical Inquiry in Education*, Vol. 23, No. 2, 114-124.
- Fisher R. (2001) *Philosophy in Primary Schools: fostering thinking skills and literacy*, Reading, Vol.35, No.2, 67-73.
- Fisher, R. (2007). Dialogic teaching: developing thinking and metacognition through philosophical discussion, *Early Child Development and Care*, Vol.177, No. 6.7: 615-631.
- Fisher, R. (2005). *Teaching children to think (2nd edn)*, Cheltenham, London:Nelson Thornes.



- Gadamer, Hans Gorg (1975), *Truth and Method*, New York: Crossroad.
- Gregory, M. R. (2013), Philosophy for children in the service of educational objectives, *Montclair state university*, 3-21. From book of Philosophy For, With, and Of Children (PART I), Monica B. Glina, 2013.
- Gruioniu. Octavian (2013), The philosophy for Children, an ideal tool to stimulate the thinking skills, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 76, 378 – 382.
- Lipman, M. (1993), "Philosophy for Children and Critical Thinking, In: M. Lipman (Ed.)". *Thinking Children and Education*, U.S.A: Kendall/ Hunt Publishing Company.
- Lipman, M. (1980), *Philosophy in the Classroom*, U.S.A.: Tample University Press.
- Lipman, M. (2004), "Philosophy for Children's Debt to Dewey, Critical and Creative Thinking", *The Austaralasian Journal of Philosophy in Education*, Vol .12, No.1, 1-8.
- Murriss, K. (2000)," Can Children Do Philosophy?", *Journal of Education*, 30: 261-279
- Mukabane , N. (2016), *The need to interdouce Philosophy for children at the basic level of education in Kenya*, MA thesis in Kenyatta University.
- Shepherd, N. & Mhlanga, D. (2014), philosophy for children: A Model for Unhu/ Ubuntu Philosophy. *International Journal of Scientific and Research Publications*, Vol. 4, Issue 2, Lupane State University.
- Fisher, R. (1998), 'nnnkigg tttt Thikkigg: Devll iii gg ee tcegg- nition , *Early Child Development and Care*. Vol. 141, No.1, 1-15.

